



دینداری جوانان و پایتند بودن آنان به مسائل دینی، مهمترین مؤلفه‌ای است که بایسته بررسی و ارزیابی در شرایط کنونی می‌باشد. از این رهگذر، چالشها و کاستیهای آن بر اندیشمندان دینی آشکار می‌گردد و آنگاه می‌توان در جهت از بین بردن آنها حرکتی جدی و معقول نمود.

در جامعه ما که قشر جوان، جمعیت فراوانی را به خود اختصاص داده، باید روح دینداری نمود شایسته‌ای در میان آنان داشته‌باشد؛ زیرا چنانچه در این خصوص ناهنجاریهایی وجود داشته‌باشد، به کلیت جامعه دینی آسیب می‌رساند. برخورد و طرد گروهی از جوانان به بهانه اینکه وابستگی به فرهنگ غرب پیدا کرده‌اند و اینکه گرایشات به مظاهر غربی و ارزش‌های آن در آنان رواج یافته، حل مشکل نیست که در واقع بی‌تفاوتی در برابر تکلیف دینی محسوب می‌شود.

کم‌رنگ شدن گرایشات مذهبی در قشر جوان، زنگ خطری است برای صاحبان خرد و دولتمردان دینی. باید پیش از بیش به چاره‌اندیشی روی آورد و از همین امروز اقدامی عاجل نمود.

روانکاوای جوان و سازگار نمودن روحتیات آن با مفاهیم دینی، راه شناخت دینی آن را هموار می‌سازد. باید باور داشت که پاره‌ای از عملکردها و برنامه‌های دینی رایج منجر به شناخت عمیق جوانان از دین نمی‌شود بلکه بیشتر یک نوع ظاهری‌گری دینی تلقی می‌شود که بایسته می‌نماید به شدت از آن پرهیز کرد. ارائه تصویری زیبا و قابل پذیرش از دین برای جوان با بهره‌وری از فطرت پاک و حقیقت‌جویی آن می‌تواند به رویکرد

جوان و معرفت دینی

• حسین وحدتی



دینی کمک شایسته‌ای بکنند. از آن جا که دوران نوجوانی و جوانی، مرحله شکل‌گیری ساختار شخصیت فرد می‌باشد، داده‌های دینی باید به گونه‌ای عرضه شود که زیرساخت فکری آینده جوان در برخورد با عوامل آسیب‌رسان ناپایدار نگردد و در برابر تهاجم فرهنگ بیگانه منفعّل نشود.

نگاهی به تعریف دین

دین همچون بسیاری از مفاهیم و پدیده‌ها از دیدگاه‌های گوناگون تعریف شده و این فراوانی تعاریف از آن جهت است که هرکس از نظرگاه خاصی به دین نگاه کرده‌است. ما در این جا قصد آن نداریم که آنها را مورد بررسی قرار دهیم و این مجال دیگری را می‌طلبد؛ تنها متناسب با بحث مورد نظر (معرفت دینی و جوانان) دین را یک راه شناخت معنی می‌کنیم، شناختی که از راه دین برای انسان حاصل می‌شود، برترین شناخت محسوب می‌شود، چنانچه در روایات آمده‌است: بالاترین دانشها، دانش

خودشناسی است.

انقلاب اسلامی تحوّلی شگرف در دین‌شناسی در جامعه به وجود آورد و در این میان جوانان با اشتیاق فراوانی وارد این عرصه شدند و این بسیار جای خوشحالی است که جوان امروز، رویکردی دینی پیدا کرده‌است و در مقایسه با جوان پیش از انقلاب، رشد چندبرابر در گرایش به دین داشته‌است.

بدون تردید نمود دینداری و معرفت دینی را در یک جامعه می‌توان با میزان



براساس گزارش‌های آماری در پاره‌ای از مدارس کشور در برفی از شهرستانها، دانش‌آموزان نسبت به چند مسأله در امر دین‌آموزی و مراسم مذهبی، اظهار ناقوشایندی می‌کردند از جمله عدم نوگرایی در طرح مسائل، بغشنامه‌شدن امور دینی، تممیل پاره‌ای از مسائل، برفی از برفوردهای نادرست مرتبان آموزش دینی و پژوهشی در رابطه با مسائل مذهبی



گرایش جوانان آن به دین، اندازه‌گیری نمود. کما اینکه به هر مقدار که این قشر با ارزش‌های دین فاصله داشته باشند، دینداری در کلیت آن دچار آسیب می‌شود. در سال‌های نخستین اسلام و در پاسخ به فراخوانی پیامبر (ص) به دین اسلام، بخش زیادی از گروندگان به ایشان را جوانان تشکیل می‌داد. بسیاری از آنان با پشت‌کردن به نظام قبیله‌ای و ارزش‌های جاهلی آن، سخن رسول‌الله (ص) را به خوبی فهم کردند. جوانانی همچون جعفرابن ابیطالب، عبدالله بن مسعود و در رأس آنان حضرت علی (ع) و دهها جوان دیگری که پیامبر با پشتیبانی آنان توانست تبلیغ دینی را توسعه دهد.

معرفت دینی این جوانان در آن روز برای پیامبر فوق‌العاده با ارزش بود، چرا که هم خود اسلام را می‌فهمیدند و هم مبلغ شایسته‌ای برای پیامبر (ص) در میان اقوام و بستگان خویش بودند. امام صادق (ع) در مورد شاگرد جوانش، هشام‌ابن حکم می‌فرمود: این جوان با دل و زبان و دست

خود، ما را یاری می‌کند.

این مسأله در انقلاب ما نیز همانگونه شد. جوانان امام را خیلی خوب شناختند و از منظر ایشان دین را فهم کردند و در جهت حفظ و تداوم ارزش‌های دینی با ایشان ثابت‌قدم ماندند. انتظار می‌رفت و می‌رود که این قشر در ادامه حرکت دینی کمتر دچار آسیب شود. فاصله‌ای که امروز میان دین و جمع زیادی از جوانان به وجود آمده، خوشایند هیچ‌کس نیست. به عبارت روشن‌تر آیا توانسته‌ایم نسل جوان انقلاب را همچنان از همان معرفت دینی نسل به وجود آورنده آن برخوردار سازیم؟ این پرسش اساسی است که باید پیرامون آن اندیشید و پاسخ آن را پیدا کرد.

بسیار جای تأسف است که بنا بر اظهار یکی از دست‌اندرکاران نظام فرهنگ دینی کشور، در نتیجه یک برآورد و بررسی، تعداد دینی و مذهبی جوانان دانش‌آموز، از دوران دبستان و راهنمایی تا مرحله دبیرستان، روند مطلوب را طی نمی‌کند. وی در جمع رؤسای آموزش و پرورش گفته‌است: در حال حاضر ۱۶ هزار نمازخانه در کشور در حال احداث است و ۲۲ هزار مدرسه نمازخانه داشته و ۵۲ هزار مدرسه نمازخانه ندارد. در ادامه می‌گوید: چیزی که تلخ است، این است که نماز در دوره ابتدایی رونق دارد و در راهنمایی کم می‌شود و در دوره دبیرستان کم‌رونق‌تر می‌گردد و دانش‌آموزانی که در دست ما هستند، همین که باسوادتر می‌شوند، از دین جدا می‌شوند. این مطلب را نباید از یاد برد که تغییر یک فرهنگ و یا ارزش‌ها در یک جامعه، در یک مقطع زمانی نسبتاً طولانی شکل می‌گیرد. چنانچه ساخت یک فرهنگ

موردنظر نیز در بستر زمان و با آهستگی و پیوستگی رخ می‌نماید. آنچه که امروز ما از پاره‌ای از ناهنجاریهای دینی و اخلاقی را در جامعه و در قشر جوان مشاهده می‌کنیم، برآیندی است که از جندی پیش زمینه‌های آن فراهم شده‌است.

برخی از شیوه‌های نادرست فراخوانی به مسائل دینی به گونه‌ای است که تصویر نازیبایی از دین را در ذهن جوان ترسیم می‌کند و سبب بدبینی را فراهم می‌آورد. به‌راستی هیچگاه در این مسأله تأمل نموده‌ایم که شناساندن دین، نیازمند یک مهارت و تخصص بالایی می‌باشد. سوگمندانه باید گفت گاهی کسانی متولی دین‌شناسی می‌شوند که هنوز بسیاری از رازهای دینی برای خود آنها گشوده نشده‌است؛ اما همچنان اصرار دارند که دین را به دیگران بشناسانند.

به نظر می‌رسد باید جهت تبلیغ دینی و معرفی مفاهیم دینی، تجدیدنظر صورت گیرد. نقاط ضعف و قوت بازشناخته شود. به‌ویژه آموزش‌های دینی در مدارس و حتی در آموزشگاههای عالی نسبت به درس معارف اسلامی توجه بیشتری شود و معلمان این درس از زبده‌ترین و شاخص‌ترین افراد برگزیده شوند. سهل‌انگاری و سطحی‌نگری در درس تعلیمات دینی، موجب شده که گرایش دانش‌آموزان به این مباحث کم‌رنگ شود و بازدهی مطلوب و سازنده نداشته‌باشد.

ظواهرگرایی دینی

یکی از علل سست‌شدن بنیه و معرفت دینی جوانان، ترویج فرهنگ ظواهرگرایی در مسائل دینی است. روشن‌تر آنکه خیلی‌ها تلاش می‌کنند



هر انسانی صاحب شخصیت و کرامت ذاتی می‌باشد که با دریافت منطقی دین، برای او حاصل می‌شود.

ملاصدرا در باب روشن‌سازی معنای «لا اکراه فی الدین» می‌گوید: از آن جا که دین یک امر باطنی می‌باشد و کسی جز خداوند بر باطن انسان آگاه نیست، اجبار و اکراه در آن راه ندارد. وی در تأیید این سخن، روایتی را از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرموده‌است: لیس الدین بالتمنی. دین با آرزو و خواهش حاصل نمی‌شود، بلکه از سخن عقیده و جهان‌بینی است.^۲

واقعیت آن است که هرگاه ملاک معرفت دینی و گرایش دینی افراد باشند، دوام و ثباتی در آن وجود ندارد. نمونه‌ها و موارد آن در میان افراد جامعه به چشم می‌خورد. البته این به معنای نقی شخصیت انسانهای وارسته و پاک نیست که در شرایطی می‌توانند تحول آفرین و تأثیرگذار باشند بلکه سخن آن است که دین‌شناسی و معرفت دینی به‌ویژه در دوران نوجوانی و جوانی باید همساز باشد، عقلانی و بهره‌مند از روحیه پرسشگری او باید شکل بگیرد، پذیرش دین به‌عنوان جهان‌بینی بر پایه‌ای منطقی و معقول شکل گرفته باشد.

امام محمد غزالی یکی از اموری را که در مورد تربیت بر پدر و مادر لازم می‌داند، این است که آنگاه که آثار تشخیص و زمینه‌های نخستین درک زندگانی را در او مشاهده کرد، باید بداند که عقل او درخشان و شفاف است و پرورش این بذر نخستین، از واجبات و از بهترین عوامل است که باید در تهذیب و تأدیب او از آن یاری گرفت.^۳

براساس گزارش‌های آماری در



بدون تردید نمود دینداری و معرفت دینی را در یک جامعه می‌توان با میزان گرایش جوانان آن به دین، اندازه‌گیری نمود. کمابینه به هر مقدار که این قشر با ارزش‌های دین فاصله داشته باشند، دینداری در کلیت آن دچار آسیب می‌شود.



برای دینی جلوه‌دادن محیط اطرافشان، صورت دینداری ایجاد نمایند بدون آنکه به اصل دین و فهم آن بپردازند. چیزی که در طول ادیان به‌ویژه دین اسلام آسیب‌های فراوانی به رشد و پویایی آنها وارد نموده‌است، به‌عنوان نمونه شرکت در پاره‌ای از مراسم مذهبی، گاهی به‌صورتی درمی‌آید که با نوعی اکراه همراه است و چه‌بسا افراد در ظاهر خود را با آن وفق دهد، اما در نهاد خود بی‌میل باشد.

البته نباید این مسأله را با لزوم برپایی شعایرالله [و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب] در جامعه اشتباه گرفت و دچار مغالطه شد. جان سخن آن است که باید جوان را برای فهم دین و آشنایی با مبانی آن راحت گذاشت تا خود بیاندهد و انتخاب کند. این روش به پایداری اعتقاد او بیشتر کمک خواهد کرد.

به این سخن امام صادق (ع) دقت نمایید: «من دخل فی هذا الدین بالرجال اخرجه منه الرجال کما ادخلوه فیه و من دخل فیه بالکتاب والسنه زالت الجبال قبل ان یزول»^۴

امام (ع) می‌فرماید، کسانی که عامل انگیزاننده آنها در شناخت دین، دیگران باشند، ممکن است همان افراد، آنها را از دین دور نمایند. اما کسی که از راه قرآن و سنت (دو منبع موثق و اصل دین‌شناسی) به شناخت دین اقدام نماید، هیچگاه زوال دینی در او راه پیدا نخواهد کرد. از دیدگاه امام صادق (ع)، شناخت دینی باید با بهره‌گیری از خرد و اندیشه و از طریق دو منبع موثق برای شناخت یعنی قرآن و عملکرد پیامبر (ص) و امامان، صورت گیرد. هر انسانی باید دین را با تمام وجود درک کند. این همان پیام مکتب الهی است که

روانگاوای جوان و سازگار نمودن رومیات آن با مفاهیم دینی، راه شناخت دینی آن را هموار می‌سازد. باید باور داشت که پاره‌ای از عملکردها و برنامه‌های دینی رایج منمربه شناخت عمیق جوانان از دین نمی‌شود بلکه بیشتر یک نوع ظاهری‌گری دینی تلقی می‌شود که بایسته می‌نماید به‌شدت از آن پرهیز کرد. ارائه تصویری زیبا و قابل‌پذیرش از دین برای جوان با بهره‌وری از فطرت پاک و مقیقت‌جویی آن می‌تواند به رویکرد دینی کمک شایسته‌ای بکند.



پاره‌ای از مدارس کشور در برخی از شهرستانها، دانش‌آموزان نسبت به چند مسأله در امر دین‌آموزی و مراسم مذهبی، اظهار ناخوشایندی می‌کردند از جمله عدم نوگرایی در طرح مسائل، بخشنامه‌شدن امور دینی، تحمیل پاره‌ای از مسائل، برخی از برخورد‌های نادرست مرتبان آموزش دینی و پرورشی در رابطه با مسائل مذهبی.^۵

ایتگونه امور ممکن است شفافیت عقل نوجوان و جوان را نسبت به درک مفاهیم دینی از بین ببرد و زمینه فراگیری و علاقه‌مندی فطری او را به کژی و انحراف بکشاند و در نتیجه معرفت دینی درست، برای او پدید نیاید. این تلقی و فرهنگ باید در جوانان رخ نماید که دین هیچ‌گاه مزاحمتی برای خواسته‌های معقول آنان به وجود نمی‌آورد. ظاهراً رای‌ها نباید به جدایی میان گروه‌های نوجوان و جوان منجر شود. دین باید عامل وحدت و اشتراک و همدلی باشد، نه موجب بیگانگی از یکدیگر.

حضرت علی (ع) دوره جوانی را دوره شکرالشباب (مستی جوان) و قرآن مجید زمان قوت و قدرت و پیامبر (ص) دوران مشورت و رایزنی، «استانلی هال» آن را دوره طوفان و فشار؛ روسو آن را دوره تولد مجدد، پیازه آن را دوره آشوب درونی و انقلاب شخص و کوهلیبرک آن را سن شکوفایی عقلانی دانسته‌اند.^۶

همه تعبیرهای یادشده از دوران جوانی از یک نکته حکایت می‌کند که جوان در این دوره وارد مرحله گزینش و انتخاب می‌شود و تلاش پنهان و آشکار او، این است که شخصیت و استقلال

خویش را به تجربه نشیند. باید شتاب و برآشفتگی و پرسشگری او را ستود و تحقل نمود و راه اندیشیدن را برای او هموار ساخت و میدان را برای چهره‌گشودن توانایی‌ها و استعداد درونی او باز گذاشت تا شناختی ژرف نسبت به دین پیدا کند و گرایش‌های دینی‌اش پایدار بماند. برآیند سخن آن که، جوان ایران در قرن بیستم، با دستیابی به یک معرفت دینی معقول و معتدل، از بسیاری آسیب‌های فرهنگی و اخلاقی و ناهنجاریهای اجتماعی، پاسداری خواهد شد و در نتیجه، توسعه دینی در جامعه بیش از گذشته شتاب خواهد گرفت. بایسته است همه دین‌اندیشان حوزوی، راهکارهای تحقق این مهم را در منظر نقد و بررسی قرار دهند و شاکله معرفت دینی جوانان را بارور نمایند تا به رسالت تبلیغی و دینی خود، جامه عمل پوشانده باشند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ایران فردا، ص ۴۵، آبان و آذر ۷۷، شماره ۴۹.
۲. میزان‌الحکمه به نقل از خصال شیخ صدوق، واژه دین.
۳. تفسیر قرآن کریم، (آیة‌الکرسی)، ج چهارم، ص ۱۹۱.
۴. روانشناسی از دیدگاه غزالی، ج ۲، دکتر سیدمحمد باقرحجتی، بهار ۶۱، تهران، ص ۳۴۵.
۵. برای اطلاع بیشتر می‌توان به تحقیقات انجام‌شده موجود در اداره کارشناسی تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش مراجعه کرد.
۶. گد ۱۲۱۲، واحد کارشناسی تحقیقات اداره آموزش و پرورش.